

مربی شایسته

در این مقاله با اصول کاربردی ناظر بر تربیت و شرایط مربیان شایسته، از زبان قرآن و سنت آشنا می‌شویم.

اوصاف و شرایط الگوها و مربیان

در قرآن مجید و کتاب‌های تعلیم و تربیت، اصول و روش‌ها و شرایط مهمی برای مربیان تعیین شده است که چنانچه مد نظر قرار گیرد، از مربی، همان الگو و مدل شایسته را می‌سازد تا دل متربیان خویش را برآید و معشوق‌گونه دلبری کند.

البته این اصول که به عنوان روش تربیتی در عمل به کار می‌رود، باید هم مبنای محتوایی و عقیدتی و هم مطابق با خصوصیات فطری و عاطفی و طبیعی انسان باشد. به عنوان مثال: برخوردهای مربی در تعلیم و تربیت باید صادقانه باشد؛ یعنی انسان، هم صادق باشد و هم صادقانه برخورد کند. بنابراین، اصول کاربردی بر اصول محتوایی، منطبق است اگرچه دو مقوله جدا از یکدیگرند.

در اینجا از زبان قرآن و سنت، اصول کاربردی ناظر بر تربیت و صفات و شرایط مربیان تربیتی را برمی‌شماریم:

۱. آگاهی

۳۹۲۹

از جمله مهمترین ویژگی‌ها و شرایط نظری مربی، داشتن آگاهی‌های لازم است؛ زیرا مربی بدون آگاهی و آشنایی با عوامل مؤثر در تربیت و شناخت شرایط مختلف زمانی و مکانی و بدون زیربنای اعتقادی محکم، نمی‌تواند به تربیتی مؤثر و با نتیجه برسد. در این مقوله، مربی حقیقی کسی است که نسبت به آنچه دیگران را به آن سفارش می‌کند، آگاهی داشته باشد.

قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ...﴾ (۱).

«از آنچه بدان علم نداری پیروی نکن».

مربی تربیتی باید ابتدا محتوا و پیام تربیت را کاملاً درک کند و پس از درک و شناخت کامل، به تبلیغ آن همت گمارد. بنابراین، اگر مربی بخواهد جنبه‌الگویی کاملی بیابد، باید به سلاح آگاهی و شناخت مجهز گردد. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«عليكم بالذرايات لا بالزوايات» (۲).

«بر شما باد به آگاهی و درک حقایق، نه روایت کردن و نقل نمودن آنها».

مهم‌تر از همه اینکه قرآن، آگاهی را بسیار مدّ نظر قرار داده، از جمله اینکه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمان می‌دهد:

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي...﴾ (۳).

«ای پیامبر بگو این، ره من و پیروان من است که بر اساس بصیرت و آگاهی به سوی خدا فرا می‌خوانم و پیروان من نیز چنین هستند».

۲. بحارالأنوار، علامه مجلسی، ج ۲، ص ۱۶۰.

۱. اسراء، ۳۶.

۳. یوسف، ۱۰۸.

۲. ایمان و رابطه با خدا

یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی‌های درونی الگوهای تربیتی، داشتن ایمانی قوی به مبانی دین، مثل ایمان به خدا، روز قیامت، غیب، پیامبران و ملائکه و... است. این ایمان از یک سو به مربی، انگیزه تلاش بیشتر می‌بخشد و از سوی دیگر راه را به او نشان می‌دهد و چشم‌اندازها و اهداف را پیش چشمش می‌آورد. آگاهی‌ها در زندگی برای مربی روشنائی به ارمغان می‌آورد و ایمان، جهت حرکت و انگیزه آن را به او ارزانی می‌دارد. پس آگاهی و ایمان، هر دو اساسی و لازمند؛ زیرا آگاهی همچون چراغ، و ایمان به منزله قطب نما می‌باشد^(۱).

مربی تربیتی که زندگی خویش را وقف تبلیغ رسالت‌های خداوند نموده است، باید به خدا نزدیک‌تر باشد تا بتواند دیگران را به مقام قرب و درجات کمال برساند و خودش در هر درجه‌ای از کمال و مقام معنوی باشد، باید به وظایف خویش معتقد باشد و یک مربی عادی در جامعه، در این زمینه با بزرگترین پیامبران تفاوتی ندارد. خداوند درباره خاتم پیامبران می‌فرماید: «آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ...»^(۲).
«پیامبر ﷺ به آنچه از سوی پروردگار به او نازل شده است، ایمان دارد».

۳. اخلاص

داشتن اخلاص و قصد الهی، مهم‌ترین نشانه تزکیه مربی است که جز به قصد کسب رضایت خداوند، انگیزه‌ای از تعلیم و تربیت نداشته باشد؛ زیرا تعلیم و تربیت برای اغراض دنیوی و انگیزه‌های غیر الهی موجب تباهی مربی و متربی خواهد شد و

۱. نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت، مصطفی عباسی مقدم، ص ۱۸۲.

۲. بقره، ۲۸۵.

مربیان بزرگ الهی از آن به خداوند پناه برده‌اند^(۱).

۴. تواضع و فروتنی

تواضع از جمله صفات نیکوی مؤمنان است. مربی از آنجا که همانند سایر مؤمنان و انسان هاست، فضیلتی بر آنها ندارد و باید در رعایت تواضع و فروتنی، نهایت تلاش خود را اعمال کند و از تکبر پرهیزد. اساساً هرچه انسان به مقام‌ها و درجات عالی‌تر معنوی نایل آید، تواضع او بیشتر خواهد شد. بنابراین، مربی واقعی کسی است که فروتنی را بسان صفتی راسخ و ملکه‌ای پایدار در خود حفظ کند. چنانکه می‌فرماید:

«و اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»^(۲).

«در برابر هر یک از مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند، بال فروتنی فرود آر.»

در حدیثی چنین آمده است که حضرت عیسی بن مریم علیه السلام فرمود: «ای حواریون و یاران پاک من! نیاز و حاجتی را با شما در میان می‌گذارم. می‌خواهم که شما آن را برآورده سازید و آمادگی خویش را در تأمین چنین نیازی اعلام نمایید». عرض کردند: «یا روح الله! حاجت و نیاز شما برآورده است؛ ما آماده‌ایم». حضرت عیسی علیه السلام از جا برخاست و پاهای حواریین را شستشو داد. آنان به حضرت عیسی عرض کردند: «روا و شایسته این بود که ما پاهای شما را شستشو می‌دادیم». فرمود: «سزاوارترین مردم در خدمت کردن، خود مربی و دانشمند است؛ یعنی باید مربی تمام قوای خویش را در خدمت کردن به مردم بسیج سازد». عیسی علیه السلام سپس فرمود: «تنها هدف من در دست زدن به چنین کاری، این بود که با ارائه و اظهار تواضع خود بر شما، مانند خود من، به

۱. مجله بصائر، ویژه‌نامه علامه طباطبائی، سال سوم، ص ۱۰۳.

۲. شعراء، ۲۱۵.

مردم اظهار تواضع و فروتنی کنید^(۱)».

۵. مهرورزی

مربی باید محبت و دلسوزی داشته باشد و به هدایت متریان عشق بورزد و آنان را چون خویشان فرض کرده، هر آنچه را برای خود دوست می‌دارد، برای آنان نیز دوست بدارد. رابطه میان مربی و متربی در اثر دوستی و عطف شدید میان آنها می‌تواند حتی از رابطه و مودت میان والدین و فرزندان نیز قوی‌تر و پیوندشان محکم‌تر باشد.

در این باره، قرآن مجید با بیانی شیوا، دلسوزی و محبت پیامبر را به مؤمنان بیان می‌دارد:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾^(۲).

«به راستی پیامبری از میان شما به سویتان آمد که (از شدت محبت) رنج‌های شما بر او سخت و گران است و بر (آسایش و نجات) هدایت شما حریص و نسبت به مؤمنان بسیار مهربان و بخشنده است».

خداوند پیامبرش را در قرآن مجید، «رحمة للعالمین...»^(۳) معرفی کرده است که حاکی از این است که پیامبر ﷺ چیزی جز رحمت و عطف برای مردم نمی‌آورد. مربی باید متریان را مانند فرزندان خویش دوست بدارد و به آنان محبت ورزد؛ زیرا تعلیم و تربیت، اساس یک نوع قرب و خویشاوندی روحی و معنوی است و از هرگونه پیوند و خویشاوندی جسمی و خونی، والاتر و شکوهمندتر است.

۱. آداب تعلیم و تربیت در اسلام، محمد باقر حجتی، ص ۲۰۱.

۲. انبیاء، ۱۰۷.

۳. توبه، ۱۲۸.

یکی از شاگردان علامه طباطبائی رحمته الله علیه در مورد ایشان می گوید:

«خداوند او را به وسیله شاگردانی نظیر شهید مطهری رحمته الله علیه کمک کرد. آمدن چنین شاگردانی، استاد بزرگوار را دلگرم کرد، به طوری که به تعلیم و تربیت آنها همت گماشت و از هیچ زحمتی در راه پرورش آنها خودداری نکرد. آنها را مثل چشمان خودش دوست می داشت و به قدری نسبت به شاگردانش مهربان بود که می توان گفت کمتر پدری نسبت به فرزندانش چنان محبتی دارد»^(۱).

۶. پرهیز از گفتار بدون عمل

حساس ترین و ملموس ترین ویژگی آن است که شخصیت، رفتار، برخورد و تمام ابعاد زندگی مطابق و هماهنگ با پیام ها و اهداف تربیتی اش باشد. مربی حقیقی آن است که خود با دقت هرچه تمام تر، عامل به دستورات و مقید به اعتقادات و ارزش های مکتبی باشد و از آن پس، توقع پیروی و تأسی دیگران را داشته باشد. قرآن مجید در آیات متعدد، کسانی را که به گفتار خویش عمل نمی کنند، مورد توبیخ و بازخواست قرار می دهد و می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾^(۲).

«ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا آنچه را که عمل نمی کنید، می گوئید؟!».

۷. صداقت در گفتار و کردار

راستگویی برای مربی، اساسی ترین شرط موفقیت است. برای جلب اعتماد مخاطبان، صدق و راستگویی، شرط اساسی برای رسیدن به هدف است.

۱. یادنامه علامه طباطبائی، آیت الله مصباح یزدی، ص ۹۹.

۲. صف، ۲.

«یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و قولوا قَوْلًا سَدِيدًا» (۱).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا بترسید و سخن درست بگویید.»

۸. اعتراف به عجز و ناتوانی

یکی از وظایف مربی این است که وقتی از او درباره موضوعی سؤالی کردند که بدان احاطه و آگاهی ندارد و یا آنکه ضمن تعلیم و تربیت به مسأله‌ای برخورد کند که فاقد اطلاع و آگاهی در آن مسأله باشد، باید به عجز خود اعتراف نموده و بگوید از آن اطلاعی ندارم. یا باید درباره آن تحقیق کنم و یا آنکه صریحاً بگویم: نمی‌دانم یا باید درباره آن تجدیدنظر کنم. و بالاخره از اعتراف به عجز و ناتوانی خود، استنکاف ننماید. اصلاً یکی از نشانه‌های دانائی انسان این است که درباره مسائلی که از آن آگاهی درستی ندارد، بگوید: نمی‌دانم.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«اِذَا سُئِلْتُمْ عَمَّا لَا تَعْلَمُونَ فَاهْرَبُوا، قَالُوا: كَيْتَ الْهَرَبِ؟ قَالَ: تَقُولُونَ اللَّهُ أَعْلَمُ» (۲).

«وقتی از شما راجع به چیزی سؤال کردند که درباره آن علم و آگاهی ندارید، راه فرار و گریز را در پیش گیرید. عرض کردند: این راه فرار و گریز چگونه است؟ فرمود: بگویید: خدا بهتر می‌داند.»

۹. نرمی در گفتار

نرمی و متانت از جمله ویژگی‌های عملی و ظاهری است و مراد از آن این است

۲. منیة المرید، شهید ثانی، ص ۸۵.

۱. احزاب، ۷۰.

که مربی در مقام تربیت ضمن حفظ وقار لازم؛ در برابر متریان و دانش‌آموزان، نرم‌خو و آسان‌گیر باشد. این ویژگی نقش عمده‌ای در آماده‌سازی متریان به منظور پذیرش امور تربیتی و کاربرد آن سودمند است.

قرآن مجید، نرمی و متانت پیامبر اسلام ﷺ را در برابر مؤمنان، جلوه‌ای از رحمت الهی و نعمتی خدادادی می‌شمارد که موجب علاقه و اشتیاق مردم به پیامبر و دعوت او شده است.

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...﴾ (۱).

«پس به واسطه رحمتی از جانب خداوند، بر آنها نرم شدمی در صورتی که اگر تندخو و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند.»

خونسردی، نرمی، پرهیز از خشونت و تندگی در برخوردها، مؤثر و مفید است و در تعلیم و تربیت کارسازتر. مگر نه این است که دل و روح انسان با نرمی و مهربانی و عطف، سازگاری بیشتری دارد؛ پس برای نفوذ افزون‌تر در دل متریان باید مهربان و نرم‌خو بود که تندخویی، ضد تربیت است نه تربیت.

روش تبلیغی و تربیتی که خداوند در مورد برخورد با فرعون به موسی عليه السلام توصیه می‌کند، مبتنی بر نرمی است. از این رو به فرستادگانش فرمان می‌دهد که با او به نرمی سخن بگویند تا شاید متذکر شود:

﴿فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾ (۲).

«به نرمی با او سخن بگویند، شاید متذکر شود، یا (از خدا) بترسد.»

۱۰. صبر و بردباری و موضع‌گیری سنجیده در برخورد با ناآگاهان

بردباری و استقامت در راه تعلیم و تربیت، ویژگی مهمی است که مربی بیش از دیگران به آن نیازمند است. تربیت و هدایت انسان‌ها، همواره کاری است دشوار و طاقت‌فرسا. مربی با دل و روح متربی سر و کار دارد و شکی نیست که ایجاد تغییر و تحول در روح و روان افراد بسی مشکل است.

مربی برای نفوذ در دل‌ها باید به فضایل و فنون مناسب و مهم آراسته گردد. آراستگی به این صفات و فضایل، مستلزم تحمل رنج و مشقت‌های بسیار است. صبر، ایستادگی و مقاومت در راه تربیت، حاصل سعه صدر و بالابودن ظرفیت روحی مربی است.^(۱)

۱۱. تشویق و تنبیه

«إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا»^(۲). «ما تو را به حق فرستادیم تا مژده و بیم دهی».

۱۲. خیرخواهی

مربی در مقام تعلیم و تربیت باید خیرخواه واقعی مردم باشد. این ویژگی، خصیصه‌ای است که در اثر ایمان به هدف و مبادی در مربی و اسوه پدید می‌آید. شهید مطهری در این باره می‌گوید:

«آن کسی می‌تواند داعی الی الله باشد که سخنش نصح باشد؛ یعنی هیچ انگیزه‌ای جز خیر و مصلحت مردم نداشته باشد و سخنش از سوز دل برخیزد»^(۳).

۲. بقره، ۱۱۹.

۱. نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت، ص ۱۹۷.

۳. شهید مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۱۲.

۱۲. نخواستن پاداش

آخرین صفتی که برای مریبان و الگوهای تربیتی ذکر می‌کنیم، نخواستن پاداش است. هرچند این ویژگی با کار مربی، بیشتر متناسب است؛ چون مأموریتی مشخص به عهده دارد، اما به هر حال موظف است کار خود را شغلی نپندارد که با انجام آن توقع پاداش و مزد می‌توان داشت.

انبیاء، نخستین مریبان و اسوه‌های بشریت، در برابر تمام زحمات و تلاش‌های طاقت‌فرسا و شبانه روزی، هیچ‌گونه چشمداشت مادی و دنیوی و انتظار پاداش نداشتند و تنها به ادای وظیفه و جلب رضای خدا می‌اندیشیدند. در قرآن مجید از زبان بسیاری از پیامبران، این مضمون نقل شده است:

﴿و ما أسئلكم علیه من اجر ان أجرى الأعلى رب العالمین﴾^(۱).

«من از شما پاداشی به خاطر رسالتم نمی‌خواهم، پاداش من نزد پروردگار جهانیان است.»

مربی باید خود را به این صفات و فضایل، مزین کند و هنرمندانه، زیباترین تصاویر را جلوی دیدگان متریبان خویش به تماشا بگذارد. عاشق باشد و به کارش عشق بورزد. چنین مربی عاشق و هنرمندی که به صفات نیکو مزین شده است، تقریباً کامل است و از کمال چیزی کم ندارد. سخت محبوب متریبان است. الگو و نمونه‌ای شایسته است و از محبوبیت و الگو بودن خود استفاده کرده، به شکار لحظه‌ها می‌پردازد و ارزش‌ها، نگرش‌ها و استانداردهای رفتاری را در متریبان خود شکل می‌دهد^(۲).

۱. شعرا، ۱۰۹.

۲. ماهنامه تربیت، شماره ۶، اسفندماه ۱۳۸۰، ص ۳۵.